

گفت و گوی «قاب کوچک» با آرایشگری که روی موج صدافت

من پیرایش را روایت می‌کنم

قیچی، ماشین
اصلاح، شانه و
دیگر ابزار

نوشین مجلسی
روزنامه نگار

پیرایش را برمی‌دارد، درکوله پشتی‌اش می‌گذارد و راهی بازار تهران می‌شود. این برنامه‌روزی‌هایی است که محمد، جوان ۲۶ ساله اهل شهر قدس برای کوتاهی موی کارتن خواب‌ها و کسانی که اطراف بازار پی یک لقمه نان می‌گردند، راهی می‌شود. او چهار سال است که این کار را انجام می‌دهد اما به گفته خودش حدود دو سال است که به صورت جدی به این فعالیت می‌پردازد. شاید محمد قضاتلو را از برنامه «آرایشگرد» شبکه رادیویی جوان به خاطر داشته باشید که یک مستند داستانی متفاوت و روایتگر قصه افرادی بود که زندگی آنها در حوادث مختلف، دستخوش تغییراتی شده که به بی‌خانمان شدنشان انجامیده است. محمد قضاتلو برای این برنامه در بخش مردمی جشنواره اخیر مستند رادیویی پژواک در بخش گزارشگری، دیپلم افتخار گرفت.



برای شنیدن بخشی
از برنامه آرایشگرد
کوارکد را اسکن
کنید

درنگ

خطرات مهرورزی

از این پسر جوان می‌پرسیم با در نظر گرفتن این که همه جور آدمی در میان این افراد هستند، تا حالا با خطری مواجه نشده‌است؟ و او پاسخ می‌دهد: «همیشه خطر را احساس می‌کنید چون هر قدر عمیق‌تر وارد زندگی این افراد می‌شوید به فضاهایی می‌روید که افراد عادی کمتر می‌روند. در خیابان ولی عصر تا مولوی موکوتاه کردم. کسی که در تجریش ضایعات می‌برد با کسی که در شوش ضایعات می‌برد، یک دنیا تفاوت طرز فکر، تفاوت صحبت کردن و تفاوت فرهنگی دارند. شاید کسی که در مولوی زندگی می‌کند کسی است که سال‌های اول در تجریش زندگی کرده ولی به قدری دچار مشکل شده که پایین‌تر رفته‌است.»

وی با اشاره به یکی از خاطراتش می‌گوید: «همه آنها اتفاق عجیب دارند. موهای یک نفر را کوتاه کردم. بعد در ماشین نشست و گفت می‌خواهم ترک کنم و فندک و وسایلی را که داشت، به یکی از دوستانش سپرد. گفت مرا ببرید ترک کنم. او را از مولوی به شهر قدس بردیم. در راه توضیح می‌داد به خاطر این که کوکائین را تجربه کند، کلیه‌اش را فروخته اما بعد هم فهمیده آنچه به او دادند کوکائین نبوده! این خیلی برایم عجیب بود و بخیه‌های روی بدنش را دیدیم. به جاهایی می‌روم و اتفاقاتی را می‌بینم که باورم نمی‌شود در ایران است!»

وی می‌افزاید: «بیماری زیاد است. کسی که ۳۰ سال در خیابان زندگی کرده قطعاً یک بیماری دارد که برخی از آنها قابل انتقال است. بیماری‌های زیادی مثل بیماری‌های پوستی و گال گرفتیم. چون این افراد اعتیاد دارند، هر اتفاقی بیفتد اولین چیزی که به ذهنم می‌رسد، این است که از آنها گرفته‌ام. دو سه سال است که می‌گویم ادامه نمی‌دهم. ولی بعد می‌گویم من نکنم چه کسی این بار را برمی‌دارد؟ تعدادی هستند که این کار را انجام می‌دهند؛ ولی وقتی من این کار را شروع کردم تا سال گذشته هیچ‌کس نبود.»

قضاتلو درباره واکش خانواده‌اش به این کار هم اشاره می‌کند: «خانواده اصلاً کاری ندارند. در خانه ما این طور است که هر کس هر کاری دوست دارد می‌کند تا جایی که به خودش و کسی آسیب نرساند. اگر در راستای پیشرفت کردن و علاقه‌ها باشد، اشکالی ندارد. با این که پدر و مادرم تحصیلات آنچنانی ندارند ولی همیشه این شکلی برخورد کرده‌اند.»

دوست دارم اما به دلیل یک سری شرایط ترجیح دادم کار خودم را انجام دهم.»

اجازه هست؟

برخی می‌گویند نشان دادن تصاویر آدم‌هایی که محمد با آنها دم‌خور می‌شود و سرشان را اصلاح می‌کند، شاید از اخلاق رسانه‌ای دور باشد. قضاتلو در این مورد دقت داشته و عنوان می‌کند: «وقتی می‌خواهم موهایشان را بزنم، می‌گویم کارم این است و دوست دارم صدایتان را بین آدم‌ها پخش کنم. می‌گویم می‌توانید به جای زمانی که در اختیار من می‌گذارید، مثلاً ضایعات جمع کنید و ۵۰۰ هزار تومان به دست آورید. من هزینه زمانی را که از شما گرفتم می‌دهم. خیلی از آنها می‌گویند نیازی نیست. اغلب این افراد حال مساعدی ندارند؛ بعضی اوقات خمار یا نشئه هستند. همان‌طور که گفتم ۹۰ درصد آنها خبر دارند و ۱۰ درصد هم آخرش اجازه می‌گیرم. یک سالی است که ویدئوی اجازه گرفتن از آنها را هم پخش می‌کنم. حرف‌هایی را که می‌زنند و خیلی شخصی است، فیلتر می‌کنم و به اشتراک نمی‌گذارم.»

او درباره امکان ساخت مستند تلویزیونی هم توضیح می‌دهد: «دو سه سال پیش بخش خبری ۳۰:۲۰ از من گزارشی تهیه کرد. یکی دو برنامه تلویزیونی هم بوده که رفتم. در ذهنم هست مستند درست کنم و خیلی‌ها پیشنهاد دادند به صورت آزاد، برای جشنواره یا سینمایی درست کنیم، اما چون خودم هم مستندسازی خوانده‌ام، دوست دارم کارگردانی‌اش را خودم انجام دهم و اگر پولم برسد، تهیه‌کنندگی‌اش را هم خودم بر عهده می‌گیرم.»

به قضاتلو می‌گویم تصاویری که می‌گیرید یا نریشن‌هایی که پخش می‌شود، معلوم است کسی پشتش است که بیشتر از یک آرایشگر، دید هنری دارد. او می‌گوید اتفاقاً هیچ‌گاه برای تصویربرداری فکر خاصی نداشته‌است. «تصویرهایم را افرادی می‌گیرند که اصلاً تصویر گرفتن بلد نیستند! از دوستانم کمک می‌گیرم. مثلاً به شیراز رفته بودم مو کوتاه کنم، یکی از دوستانم آمد که تا حالا تصویر نگرفته بود. به او گفتم گوشی را این طور بگیر و... بعد همه گفتند چه تصویرهای خوبی! صدرا که ضبط می‌شود، روی تصویر می‌گذارم و تدوین می‌شود. متن‌ها را خودم می‌نویسم. کپشن‌ها خیلی برایم مهم است؛ چون نوشتن را دوست دارم.»



یک سری طرح راجع به

کارتن خواب‌ها در رادیو

داشتیم که در قالب

برنامه «آرایشگرد»

پخش شد. کارم را در

فضای مجازی نشان

می‌دادم تا این که مجری

شبکه رادیو جوان با

من هماهنگ کرد و

جلسه‌ای گذاشتند

ورفتم و دیدم خوب

است و چیزهای زیاد از

این کار یاد گرفتم



دوستدار رادیو هستم

کار خیر او برای مدت حدود دو سال به صورت مستند روی آنتن شبکه رادیویی جوان می‌رفت. قضاتلو درباره شکل‌گیری این برنامه توضیح می‌دهد: «یک سری طرح راجع به کارتن خواب‌ها در رادیو داشتیم که در قالب برنامه آرایشگرد پخش شد. کارم را در فضای مجازی نشان می‌دادم تا این که مجری شبکه رادیو جوان با من هماهنگ کرد و جلسه‌ای گذاشتند و رفتم و دیدم خوب است و چیزهای زیاد از این کار یاد گرفتم. هفته‌ای دو قسمت بود و بعد هفته‌ای یک قسمت شد.»

این آرایشگر درباره شیوه کارش برای رادیویی کردن هر قسمت بیان می‌کند: «با وویس ریکورد صدا را از این افراد می‌گرفتم و وقتی پیش‌بند را می‌بستم در حالی که مو کوتاه می‌کردم با آنها صحبت می‌کردم و ویدئویش را به اشتراک می‌گذاشتم و صدایش را برای رادیو می‌فرستادم. تهیه‌کننده که بیشتر کارش تدوین بود، بقیه کار را انجام می‌داد. برنامه دو سال در جشنواره پژواک حضور داشت که امسال به خاطر آن جایزه گرفتم. رادیو و کار صدرا خیلی